

الکل، مؤثرترین عامل ناپاکی محیط اجتماعی

وقتی افراد مشروب الکلی میخورند، چه تغییراتی در مغز آنها رخ می دهد؟ ..
اگر مردم این مسائل را بدانند دیگر لب به آن نخواهند زد

قضیه آتش و پنبه

در حقیقت عده زیادی از روانشناسان

سان امور زناشویی، فساد اجتماع را به علت شیوع فراوان مشروب خواری می دانند این همه طلاق و این همه اختلاف زناشویی بدون شک قسمت عمده اش مربوط به این میخوارگی است.

کما این که در سالهایی که در کشور " امریکا " خرید و فروش و مصرف الکل جرم بود طلاق و جدائی تا این درجه نبود.

از دیرباز

این عقیده که میخوارگی عامل اصلی بی عفتی و فساد در جامعه است مسئله تازه ای نیست فلاسفه و دانشمندان یونان

روانشناسان و کارشناسان امور اجتماعی می گویند یک مرد متاهل را با زن و مرد دیگری به یک مهمانی دعوت کنید آن وقت یک بطری ویسکی هم بین آنها بگذارید دیری نمی گذرد که خود به خود آتشی در میان آنها شعله ور می شود. زیرا وضع آنها شبیه آتش و پنبه است که در کنار هم قرار گرفته باشند.

ممکن است آن مرد آدمی باعفت و وجدان باشد و آن زن هم پا از دایره عصمت بیرون نگذاشته باشد ولی اگر دست به میخواری بزنند، بی تردید عاقبت آنها همان خواهد بود که پیش بینی شده است.

باستان معتقد بودند که خرد و نیروی معنوی انسان از مغزش سرچشمه می‌گیرد که در کاسه سرش در بالاترین و ممتازترین محل بدنش قرار گرفته، از سوی دیگر خوی حیوانی و نفس اماره و شهوانی، مرکزش در قسمتهای پائین بدن است و این به آن خاطر است که همیشه عقل بر خوی حیوانی و شهوانی غلبه داشته باشد.

اما نوشیدن شراب باعث می‌شود که مرکز غریزه و خوی حیوانی یکباره تغییر جا دهد و به نزدیک مغز آید و زمام امور را از دست این عضو شریف برباید آن وقت است که ابلیس در بدن انسان ماوا کرده است و نخستین اقدام ابلیس زناکاری و بی‌عفتی است که معمولا بعد از نوشیدن شراب و مشروب الکلی صورت می‌گیرد.

این تشریح حکما و فلاسفه یونان در قرن‌ها پیش از این بود، اکنون روانشناسان و پزشکان دوره تکنولوژی قضا نیز به همین نتیجه رسیده‌اند.

اثر الکل بر روی مغز

وقتی که آدمی مقدار مختصری نوشابه الکلی مینوشد ابتدا یک حالت نشاط آرامش و لذت به سراغش می‌آید که البته هنوز مقدار الکل نتوانسته بر روی قسمتهای حساس مغز اثر بگذارد.

اما همین که گیلاس اول به گیلاس دوم و . . . منتهی شد، مقدار الکل که در خون است به سراغ سلولهای بسیار حساس مغز می‌رود و پس از غرق کردن آنها در الکل تمام قدرت کنترل نیرومند مغز را یا به کلی از کار می‌اندازد یا فوق‌العاده ضعیف می‌کند وقتی سانسور مغز از میان برود، یعنی تمام قیود، منع از کارهای ناشایسته، پرهیز از مخاطره و خلاصه عقل سلیم با تمام ارزشهای معنوی که شخص طی سالها آموزش و پرورش بدست آورده موقتا (تازمانی که الکل در خون وجود دارد) نابود می‌شوند. شخص خود را در دنیائی مشاهده می‌کند که اجرای هیچ کاری زشت و ناپسند نیست. یعنی واقعا همان طور که فلاسفه یونان باستان گفته‌اند، خوی حیوانی و شیطانی برمسند و اریکه عقل و فرمانروائی می‌نشیند.

هنوز روانشناسان و پزشکان به طور دقیق نمی‌دانند که الکل چگونه بر مغز و بر کدام قسمت آن اثر می‌گذارد ولی این نکته را می‌دانند که قسمت سانسور مغز که حاوی مبانی اخلاقی و قیود اجتماعی است در پوسته مغز بنام کورتکس قرار دارد.

رسیدن الکل به کورتکس است که تمام مکانیسم آن را برهم می‌زند و موقتا کاری می‌کند که گوئی اصلا کورتکس یا مبانی

می شود و هم منحرف و بیمارگون می گردد .
مسئولیت های گوناگونی که شخص داشته مثلا
به عنوان یک پدر یا مادر یا همسر یا کارمند و
یا هر چیز دیگر ، در این مرحله مطلقا از
میان می رود و شخص ظاهرا خود را کاملا آزاد
مشاهده می کند .

چون ادراک حواس مختل می گردد
بنابراین در این مرحله شخص مست (خواه
مرد باشد و خواه زن) صداها را خیلی آهسته
و گوئی از راه دور می شنود ، به همین میزان هم
چشمش خوب نمی بیند و اشیاء در نظر وی
کج و معوج و متحرک هستند همین طور سایر
حواس هم مختل می شوند پوست بدن مثل
سابق دیگر نمی تواند به صاحبش خبر دهد
که هوا سرد است یا گرم وقتی به چیزی دست
می زند نمی تواند تشخیص دهد زبر است یا
نرم ، تراست یا خشک .

در این مرحله یک مرد مست زشت -
ترین زنان را زیبا ، جذاب و قابل معاشرت
میداند . و به همین ترتیب یک زن با شخصیت
و تحصیل کرده در این حالت از مستی صحبت
احمق ترین مردها را جالب و مطبوع تشخیص
می دهد .

اگر یک زن و یک مرد در کنار هم
به این مرحله از مستی برسند صحنه های
عجیبی مشاهده خواهد شد ، مرد در حالی
که با کلمات نامفهوم و مقطع سعی می کند از

اخلاقی - ارزشهای اجتماعی - مسئولیتها
- قضاوتها - حس تشخیص و شعور کاملا از
میان رفته است .

زمانی که نوشیدن الکل از حد یک
گیلاس گذشت الکی که وارد خون شده
همانطور که به همه دستگاههای بدن می رود
به مغز هم می رسد و از آنجا آهسته آهسته
کورتکس را تحت تاثیر خود قرار می دهد .
وقتی کورتکس به میزان مختصری
تحت تاثیر الکل قرار گرفت باز هم کم و بیش
کار خود را از نظر سانسور و صدور فرمان
میتواند انجام دهد ولی نکته مهم در این
زمینه آن است که با ضعیف شدن سانسور و
فرمانروائی میزان درک حواس پنجگانه نیز
کاهش می یابد و بدین ترتیب مغز انسان از
دو جهت تحت فشار قرار می گیرد .

پس از آن هر چه بیشتر الکل وارد
خون شود ، از طرفی اراده و مکانیسم سانسور
بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرد و از طرف
دیگر ادراک و تماس حواس انسانی نیز ضعیف
تر می شود .

پس از آن سرعت انتقال که در هر
شخصی میزان معینی دارد ، شروع به آهسته
شدن می نماید و در نتیجه شخص مست برای
این که چیزی درک کند و عکس العمل نشان
دهد مدت زیادی وقت لازم دارد .

قضاوت و قوه تشخیص هم ضعیف

اندک از بین می‌رود ، همه منظره صحبت کردن راه رفتن ، و حتی خندیدن آدم مست را دیده‌اند که تا چه میزانی زنده است .

زن و مرد مست که در کنار هم باشند در این مرحله به زنده‌ترین حرکات دست میزنند ، حرکات و رفتار آنها آن قدر نامتعادل و بیمارگون است که شخصی که آنها را نظاره می‌کند عینا مثل آن که یک تصویر مغشوش و نامنظم را تماشا می‌کند . چند لحظه دیگر که از این مرحله بگذرد سم الکلی باعث ناتوانی کامل آنها شده و هردو در کنار هم از پای درمی‌آیند . مسلم است که اگر از اول این زن و مرد در کنار هم باشند وقتی که هنوز الکلی قدرت حرکت و فعالیت را از آنها نگرفته همان جریان آتش و پنبه صورت پذیرفته و اگر هم نفس زناکاری در همان جلسه اول اجرا نشود ، مقدمات بی‌عفتی آغاز شده و در جلسات بعدی کار یکسره خواهد شد .

xxx

بسیاری از مردم تصور می‌کنند که الکلی یکی از داروهای است که باعث تقویت و تحریک امور و فعالیت‌های جنسی می‌گردد . این تصور غلط از آنجا ناشی شده

زن ستایش کند ، دست خود را دراز می‌کند تا این زن را نوازش نماید ولی به جای نوازش ممکنست به او مشت یا ضربه بزند .

چقدر جای تعجب است وقتی که مشاهده کنیم آن زن مست همان ضربه یا مشت مرد را بجای نوازش قبول می‌کند چون ادراکش مختل گشته است .

این زن و مرد در این مرحله تحت تاثیر عوامل دنیای خارج قرار نمی‌گیرند چون مثل آن است که تامیزانی داروی بی-حسی به آنها تزریق شده باشد و می‌دانیم که الکلی هم این خاصیت بی‌حس کننده را دارد و در قرنیه‌ها پیش به جای داروی بیهوشی در اعمال جراحی به کار می‌رفت . در این مرحله مرد خود را نیرومند و مهم احساس می‌کند و زن به همان نسبت خود را جذاب و فریبنده و با شخصیت .

مرد لاف می‌زند و زن وعده و وعید میدهد و البته تمام اینها حرف است .

چون ادراک شخصی مختل شده و تقریبا از میان رفته استعداد و قابلیت درک لذت نیز از میان می‌رود و از همین مرحله آدم مست (خواه زن و خواه مرد) شروع می‌کند که آن حالت لذت و نشئه مستی را اندک اندک از دست بدهد .

به همین ترتیب توانائی شخص برای حرکت و انجام کارهای گوناگون اندک

هر روز در ساعت معین مجبور بود سینی مشروب را مقابل خود بچیند ، آنوقت اندک اندک علاقه و اشتهایش نسبت به امور جنسی کاهش می یابد تا به آنجا می رسد که گاه و بی گاه فقط هوس به صورت شعله زودگذر در ذهنش نسبت به این مسائل پیدا می شود و بعد هم فوراً این هوس خاموش می گردد .

دواثر عجیب الککل

الکل در مسئله بی عفتی دو اثر مهم و عجیب دارد . اول آن که قیود و ممنوعیت و مسئولیت و خلاصه مکانیسم سانسور و اراده را از بین می برد در نتیجه زن و مرد متاهل ، اجرای بی عفتی را خالی از اشکال تلقی می کنند ، چون در آن لحظه هیچ نوع محدودیت و قیدی در وجودشان نیست .

دوم آن که وقتی کار از کار گذشت چون هنوز الککل در خون و مغز وجود دارد بی درنگ خاطره جریان را از ذهن پاک می کند به طوری که بعدها حتی برای خود شخص (هم مرد و هم زن) جریان واقعه به طرز مبهم و گنگ به خاطر می آید .

قضاوت دادگاه در موارد اختلافات زناشویی با این جمله آشنائی فراوان دارند :
" من مست بودم و درست نمی دانم
بعد از آن دیگر چه واقعه ای رخ داد . . . "

که نوشیدن الککل در کسانی که سخت خجالتی بوده و به اصطلاح روانشناسان ممنوعیت های روانی دارند (آدمهای محبوب و بی دست و پا) مختصری باعث رفع قیود و بسوزش شجاعت می گردد .

چنین افرادی بطور کلی در زندگی متعادل رفی تحت تاثیر یک سلسله قیود و کمپلکس هائی هستند که یک آدم معمولی و طبیعی فاقد آنهاست ، حرف زدن ، معاشرت ، و فعالیت در اجتماع به طور کلی برای آنها دشوار است به همین میزان هم اجرای امور جنسی برای این دسته از افراد بسیار بسیار دشوار است . در چنین موارد خاص و در افراد به خصوص ممکن است نوشیدن میزان قلیلی الککل تا اندازه ای سانسور شدید و سنگین مغز آنها را سبک کرده و به اصطلاح دست و پایشان را باز نماید .

اما فراموش نکنید حتی در این موارد هم اگر اندکی از حد تعیین شده تجاوز کرد دیگر الککل اثر داروئی خود را از دست داده کارسم و زهر را خواهد کرد .

حقیقت امر آن است که نوشیدن الککل نیروی جنسی را در مرد ضعیف میکند و اگر زن الکلی شود سرد مزاج خواهد گردید مرد الکلی یامست ممکن است در مورد امور جنسی خیلی لاف بزند ولی عملاً ناتوان است وقتی شخصی معتاد به الککل شد و

مغز، کبد، اعصاب، چهارهاضمه قلب... اینها هستند که سلولهایشان بر اثر استعمال الکل بیچاره شده از میان می‌روند و لابد شنیده‌اید که مطابق آخرین تحقیقات دانشمندان زیاده‌روی در نوشیدن الکل سرطان هم می‌آورد.

آقای دکتر "سرکیسیان" متخصص در جراحی عمومی و سرطان عقیده دارد که الکل یکی از عواملی است که در ایجاد سرطان معده و سرطان کبد اثر دارد.

آنان که الکل را به مقدار زیاد و مرتب مصرف می‌نمایند در سنین متوسط و بالاتر یعنی از ۳۵ و ۴۰ سالگی به بعد دچار بیماری "سیروز" کبدی می‌شود و این سیروز کبدی باعث به وجود آمدن سرطان کبد می‌گردد باید دانست که تنها الکل باعث بیماری سیروز کبدی نمی‌شود و عوامل دیگر نیز موثر است ولی سیروز کبدی در نزد معتادان به الکل بسیار شایع است.

مورد دیگری که الکل زیان‌میرساند معده است که باعث می‌شود مخاط معده از بین برود و سرطان معده شایع گردد.

آقای دکتر فریدون مفخم صنیعی متخصص بیماریهای غده مترشح و متابولیک می‌گوید:

به‌طور کلی مصرف کنندگان مواد الکل‌دار به دودستاند کسانی که به مقدار

و جالب آن که این جمله هم از طرف زن ادا می‌شود و هم از طرف مرد.

در کوکتیل پارتی‌ها که زن و مرد با هم به مشروب خوردن می‌پردازند موقعیت از هر جهت فراهم شده است و زن و مردی که در این چنین مجالسی برای نخستین بار با یکدیگر آشنا می‌شوند (خواه متاهل باشند و خواه مجرد) خیلی زود بدیدن یکدیگر می‌روند و معمولاً جلسات دوم و سوم راهم در مجالس دیگری نظیر اولی (کوکتیل پارتی) قرار ملاقات می‌گذارند و در همین مجالس نیم‌بطری یا حداکثر یک بطری ویسکی مثل آب خوردن اثاث و بنیان خانواده‌ای را بر هم می‌زنند و چه بسا که کودکان معصومی تا آخر عمر رنج بی‌پدری یا مادری می‌کشند.

xxx

بحث ما در این مقاله پیرامون اثرات و زیانهای نامطلوبی بود که الکل در روح و روان شخص به وجود می‌آورد و او را تبدیل به آدمی دیگر (آدم عوضی) می‌مورد برای تشریح زیانهایی که الکل بر جسم شخص وارد می‌آورد به یک یاد مقاله نمیتوان اکتفا کرد. فقط ما فهرست وار اعضای راکه در درجه اول از الکل آسیب می‌بینند برایتان ذکر می‌کنیم:

کم و گاهی می نوشند که در این صورت الکل برای بدن آنها ضرر زیاد ندارد و سم الکل از طریق ادرار دفع می شود . اما چون کبد الکل را خورد می کند به همین جهت الکل زیاد کبد را خسته و مریض می کند .

دسته دوم افرادی هستند که معتاد به الکل شده اند و بنابراین در معرض بیماریهای کبدی و معده هستند که ممکن است منجر به سرطان شود . وقتی مقدار مصرفی الکل زیاد شد تمام سلولهای کبدی به فعالیت واداشته می شوند سلول های کبدی خود از سیستوپلاسم وهسته و آزمیمهای درست شده اند که قادر به گرفتن مواد سمی بدن و شکستن آن هستند ولی مصرف الکل باعث می شود که چربی بگیرد و بیماری کبدی حاصل شود . این بیماری بنام " استراتوز سیاتیک " نامیده می شود و می توان گفت که تقریباً الکلیک ها در آخر به این بیماری مبتلا می شوند در کالبدشکافی از آدمی که چندین سال سابقه مصرف الکل داشته ، خواهیم دید که کبدی بسیار کوچک دارد و رنگ آن متمایل به نارنجی است . زمانی که کبد یک شخص ، مریض و ناتوان می شود باید گفت که سیستم دفع سم بدن او از بین رفته است این اشخاص بی نهایت در برابر عفونت ها ضعیف هستند ، قدرت صفرا سازی در بدن آنها از بین می رود ، هضم خوبی ندارند ،

اشتهایشان کم می شود و قوه جذب معده نقصان می یابد و بیماری لاغری مفرط در آنها شروع می گردد . در این موقع تمام این عوامل خطرناکی که ناشی از بیماری کبدی و خستگی مفرط آن است روی اعصاب اثر می گذارد و ایجاد لرزش در دست ها و پاها می نماید .

اما به هر حال رابطه بین الکل و سرطان غیر مستقیم است و الکل را می توان تنها یکی از عوامل آن به شمار آورد .

آدمها در زمان جوانی به سرطان معده و یا کبد که در اثر مصرف زیاد الکل باشد مبتلا نمی شوند بلکه وقتی به ۳۵ یا ۴۰ سالگی رسیدند و بدن آنها دچار ضعف شد کبد نیز ضعیف می شود و سلولهای معده خوب ترشح نمی کند حتی جذب معده هم بد می شود و علامت کم خونی ظاهر می گردد زیرا عوامل خونزای بدن که ویتامین ب_{۱۲} باشد در معده ایجاد نمی گردد وقتی تمام این عوامل بیماری را در افراد جمع شد مسلم است که با احتمال بسیار قوی مستعد ابتلا به بیماریهای زخم معده ، سرطان معده و سرطان کبد خواهند بود . که نظایر آن نیز بسیار مشاهده شده است .

این افراد قبل از این که سرطان بگیرند حساسیت عجیبی نسبت به خوراک گوشت و رژیمهای غذایی گوشتی پیدا میکنند

مضرات الکل به قدری زیاد است که حتی نوشیدن یک ذره الکل را نیز نمی توان توصیه کرد چون به مقدار لازم آن برای بدن در داروها موجود است و در صورت لازم تجویز می شود .

بنابراین از نوشیدن الکل به خاطر ضررهای بی شمار آن باید اجتناب ورزید زیرا گذشته از عوارض جسمانی باعث سستی در عقاید و ایمان افراد می شود و چه بسا جرائم و جنایات زیاد که این قبیل افراد مرتکب آن می شوند .

ناگفته نماند که الکل در اصل ، ماده بی زیانی نیست و هرچقدر که میزان ناخالصی الکل - از قبیل الکل متیلیک - بیشتر باشد زیان بخشی آن نیز بیشتر خواهد بود . مثلا الکل در اختلال دستگاه گوارش بی تاثیر نیست و در فرانسه که مردم به طور متوالی از شراب مینوشند ، افرادی که به سیروز کبدی - ناشی از مصرف الکل - مبتلا هستند از سایر نقاط جهان بیشتر است . . .

تلخیص از جرائد و مطبوعات



پروتئین از مواد لازم و اساسی برای سلامت بدن الکلیک ها است ولی آنها قادر بخوردن آن نیستند زیرا از هضم و جذب آن عاجز هستند به طور حتم کسی که به صورت یک معتاد الکلی در بیاید بیشتر از ۵۰ سال زندگی نمی کند و در آخر هم با وضع فجیعی دنیا را ترک می کند که آنها در اثر ناتوانی شدید کبدی است .

زیانهای الکل نوشی

یکی از پزشکان و متخصصان در بهداشت صنعتی در مورد رابطه بین الکل و سرطان می گوید:

- تا آنجایی که من می دانم الکل باعث ناراحتی های جهاز هاضمه و اعصاب و روان و همچنین باعث ضعف اعصاب ، انواع جنون و ناراحتی کبدی (سیروز) می باشد و این سیروز است که سرطان را تولید می کند "سیروز" سفتی بافت های کبدی است که به علت الکل نوشی زیاد ایجاد می شود . روی این اصل در ممالک پیشرفته جمعیت هائی تشکیل می شود که مخالف با مصرف مشروبات الکلی هستند و با برنامه هائی که دارند نسل جوان را هدایت می نمایند و آنان را متوجه امراض عصبی ، روانی و بدنی حاصل از الکل می کنند .